



شامگاه شنبه ۱۴ تیر ۱۴۰۴، مراسم عزاداری شب عاشورای حسینی در حسینیه امام خمینی (ره) با حضور حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی برگزار شد. این مراسم که با حضور اقشار مختلف مردم و با سخنرانی حجت‌الاسلام مسعود عالی و مرثیه‌سرایی حاج‌محمود کریمی همراه بود، به دلیل نخستین حضور عمومی رهبر انقلاب پس از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شد. رهبر انقلاب در این مراسم، از محمود کریمی خواستند نوحه جدید امسال که بر اساس ترانه «ای ایران» زنده یاد حمید نوری خوانده شده را در مداحی خود بخوانند؛ موضوعی که با استقبال گسترده مردم در همه جای کشور مواجه شد.

حضور رهبر انقلاب در حسینیه امام خمینی (ره) همچنین با استقبال پرشور و بی‌نظیر مردم همراه بود. در لحظه ورود ایشان به حسینیه، حضار اعم از زنان، مردان و کودکان با شعارهای حمایت‌آمیز و ابراز احساسات گرم، ایستاده به استقبال رهبر انقلاب رفتند. این شور و هیجان نشان‌دهنده عمق ارتباط عاطفی و معنوی مردم با رهبری بود که در فضای معنوی شب عاشورا دوچندان شد.

خبر حضور رهبر انقلاب در مراسم شب عاشورا به سرعت در هیات‌های عزاداری منتشر شد و موجی از احساس غرور و البته آرامش را در میان مردم ایجاد کرد. این رویداد نه تنها در تهران، بلکه در سراسر ایران به‌عنوان نمادی از وحدت و استقامت ملت در برابر تهدیدات خارجی تلقی شد و در بسیاری از هیات‌ها، مردم با بازنشر این خبر، احساس غرور و همبستگی خود را ابراز کردند.

حضور رهبر انقلاب واکنش‌های گسترده‌ای هم از سوی چهره‌های سیاسی، ورزشی و هنری با گرایش‌های مختلف فکری به دنبال داشت. مسعود پزشکیان در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «حسینیه «ایران» تا همیشه جلودان و پابر جاست. در روح و جان من می‌مانی ای وطن». عباس عراقچی، وزیر امور خارجه نیز با انتشار تصویری از این مراسم، آن را زیباترین تصویر توصیف کرد. محمدعلی ابطحی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب، حضور رهبر انقلاب را آرام‌بخش‌ترین اتفاق در اوج عملیات روانی دشمن دانست و نوشت: «آقا آمد، با ایران آمد». علی‌اکبر ولایتی، مشاور رهبر انقلاب نیز با شعری، احساسات خود را بیان کرد: «پیر ما آمد دوباره، زنده شد یک سرزمین».

حضور رهبر انقلاب در مراسم شب عاشورا بازنتاب گسترده‌ای هم در رسانه‌های بین‌المللی داشت به طوری که برخی شبکه‌ها با قطع برنامه‌های خود، به پوشش این رویداد پرداختند. شبکه الجزیره به توقف برنامه‌های عادی خود، تصاویر ورود رهبر انقلاب به حسینیه را پخش کرد و آن را نخستین حضور عمومی ایشان پس از درگیری با اسرائیل توصیف کرد. شبکه المیادین نیز با انتشار ویدئوهایی از این مراسم، به اهمیت سیاسی و فرهنگی آن اشاره کرد. رسانه‌های آمریکایی مانند اسوشیتدپرس، واشنگتن پست، شیکاگو تریبون و یواس نیوز نیز از جمله رسانه‌های غربی بودند که به حضور پرصلايت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در مراسم عزاداری عاشورای حسینی پرداختند. رسانه‌های عبری مانند تایمز اسرائیل، دیدیووت آحارونوت و جروزالم پست نیز تصاویر حضور رهبر انقلاب در حسینیه امام خمینی را پوشش دادند.

کاربران خارجی شبکه‌های اجتماعی هم به این حضور واکنش نشان دادند و کلیدواژه‌هایی مانند «لیک یا خامنه‌ای» و «قهرمان» در فضای مجازی پرتکرار شد. برخی کاربران هم این حضور را نشانه‌ای از شجاعت و بی‌اعتنایی به تهدیدات خارجی دانستند.

اما چرا این حضور باطل‌السحر رسانه‌های وابسته به اسرائیل بود؟ رسانه‌های وابسته به اسرائیل، مانند ایران اینترنشنال، در هفته‌های پیش از این مراسم با انتشار شایعات و عملیات روانی، سعی در تضعیف جایگاه رهبر انقلاب و ایجاد تردید درباره ثبات نظام جمهوری اسلامی داشتند. این رسانه‌ها تلاش کردند تصویری از ضعف و ترس ارائه دهند اما حضور مقتدرانه و آرامش‌بخش رهبر انقلاب در مراسم شب عاشورا که به طور گسترده در رسانه‌های جهانی بازتاب یافت، این روایت را به طور کامل خنثی کرد؛ چه کارشناس شبکه ایران اینترنشنال در واکنشی ناخواسته اعتراف کرد: «حضور امشب آقای خامنه‌ای نشان می‌دهد همچنان خطر جمهوری اسلامی پابرجاست».

این حضور نه تنها شایعات درباره وضعیت رهبر انقلاب را بی‌اثر کرد، بلکه با نمایش وحدت ملی و اقتدار، پیام روشنی به دشمنان ایران ارسال کرد که تلاش‌های روانی آنها در برابر اراده ملت ایران ناکام مانده است. این رویداد، با نمایش شجاعت و صلابت رهبر انقلاب اسلامی، به مثابه باطل‌السحری بود که روایت‌های جعلی رسانه‌های صهیونیستی را نقش بر آب کرد.

حضور رهبر انقلاب در مراسم شب عاشورای حسینی در حسینیه امام خمینی (ره) نه تنها یک رویداد مذهبی، بلکه نمایی از اقتدار، وحدت و شجاعت در برابر تهدیدات خارجی بود. استقبال پرشور مردم، واکنش مثبت چهره‌ها، بازنتاب گسترده در رسانه‌های جهانی و واکنش کاربران خارجی در شبکه‌های اجتماعی، همگی نشان‌دهنده تأثیر عمیق این حضور بر فضای داخلی و بین‌المللی بود.

گروه سیاسی: آیا رژیم صهیونیستی و آمریکا همچنان پروژه مشترک خود برای تجزیه ایران را دنبال می‌کنند؟ آیا اسلجام و همبستگی ملی در ایران باعث تجدیدنظر آنها در پیگیری این

محسن رادای، عضو هیات علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی درباره برآوردهای رژیم صهیونیستی از جامعه ایران گفت: اطلاعاتی که آنها داشتند، اطلاعات کارشناسی‌شده بود. یعنی اینطور نبود که اطلاعات‌شان سطحی باشد و بی‌گدار به آب بزنند. بر اساس یکسری شواهد به این نتیجه رسیده بودند نارضایتی در ایران وجود دارد، یک، اینکه شکاف‌های قومیتی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی را خیلی عمیق می‌دیدند، بنابراین جامعه را آماده چندپاره شدن می‌دانستند. مهم‌ترین چیزی که روی آن حساب می‌کردند این بود که شکاف بین حاکمیت و مردم، بویژه در این ۳-۲ سال اخیر، بسیار عمیق شده است. مثلاً بر اساس کاهش میزان حضور مردم در انتخابات، احساس می‌کردند زمینه مساعد برای اینکه حکومت را براندازی کنند وجود دارد و تصور می‌کردند قاعده‌تأخیلی طبیعی است که این وضعیت به سمت تجزیه ایران پیش برود. مثل اتفاقی که در سوریه افتاد که بخشی از خاک خود را از دست داده و هر بخشش دست یک گروه افتاده است. بر اساس این موارد بود که تصمیم به این کار گرفتند. منتها چیزی که آنها در نظر نگرفته بودند، این بود که آن روبنا و ظاهر موضوع را دیدند و ریشه‌های عمیقی که مردم ایران را به حاکمیت پیوند می‌دهد ندیدند. همان ریشه‌هایی که در جنگ تحمیلی باعث شد مردم به کمک دولت بایانند. یعنی یک بخش تمدنی را نگاه نکرده

هفد می‌شود؟ آیا آنها از واکنش مردم ایران شوکه شده‌اند یا اینکه فعلاً و در این مرحله چندان روی واکنش‌های عمومی حساب باز نکرده‌اند؟ اینها سوالات مهمی است که جواب‌های

بوندند. متوجه نبودند ایران علاوه بر عوامل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، جنبه تمدنی هم دارد که آن جنبه تمدنی‌اش این است که هیچ ایرانی شرافتمندی حاضر به همکاری با اشغالگران نیست، بویژه در ایام جنگ. در واقع این عرق ملی و هویت ملی ایرانیان را نادیده گرفتند. و ادامه داد: موضوع دوم، بحث ارتباط مردم با رهبر انقلاب را دست‌کم گرفتند. احساس نمی‌کردند رهبری انقلاب اینقدر مؤثر باشد و اینقدر مردم پای رهبر انقلاب خودشان باشند. رهبر انقلاب یک منبع مهم سرمایه اجتماعی و پیوستگی بین مردم است.

رادی افزود: سوم اینکه موضوع پنهانی را توجه نکرده بودند و آن بحث تغییر رفتار و نظام اولویت‌بندی

ایرانیان در زمان تهاجم و دفاع است. وقتی مردم

ایران در موقعیت تهاجم قرار می‌گیرند، بقیه

اولویت‌ها، نارضایتی می‌باشند، نارضایتی‌های

سیاسی، هر موضوع دیگری به کنار می‌رود و

بر اساس آن سابقه تمدنی و تاریخی

و فرهنگی که دارند، مردم ایران

متحد در دفاع از کشور کنار هم

قرار می‌گیرند. این عوامل را نادیده

بودند. به نظرم به این دلایل دچار

این اشتباه محاسباتی شدند و

ایران تجزیه‌ناپذیر است

روحیه می‌داد. یعنی دوگانه موشک و جامعه کاملاً از بین رفت و یکی شد. این دو در امتداد هم قرار گرفتند، همدیگر را تأیید و یکدیگر را تکمیل کردند. به نظرم این خیلی نکته مهمی است.

اجرلو گفت: ما نبرد با رژیم صهیونیستی را تمام‌شده نمی‌دانیم. تردیدی نداریم که اگر نمی‌آید و نمی‌زند، اگر آتش‌بس را خودش پیشنهاد می‌دهد و عقب‌نشینی می‌کند و تهاجم را تمام می‌کند، به این دلیل است که زورش نمی‌رسد. اگر زورش برسد، کارش را انجام می‌دهد. بنابراین حتما می‌رود نقشه‌های جدید می‌کشد، محاسبه‌های جدید درست می‌کند، ضربه‌هایی که خورده را تحلیل می‌کند و دوباره با طرح‌های جدید برمی‌گردد. طبیعتاً ما باید آن سازمان رزمان را حفظ کنیم. سازمان امنیت‌مان را حفظ کنیم. این ماجرا تمام نشده است. قدرت ما این را تعیین می‌کند، رفتار ما این را تعیین می‌کند. به هر حال اینها همیشه از ایران یکپارچه و بزرگ هراس داشته‌اند، بنابراین ما باید آمادگی خودمان را حفظ کنیم. وی در پایان درباره برنامه دشمن صهیونیستی برای تجزیه ایران گفت: نکته این است که آنها پشت تضعیف جمهوری اسلامی یا تغییر نظام سیاسی، یک ایران تکه‌تکه شده می‌بینند. یعنی به نظر من طرح اصلی واکنش جامعه نسبت به دولت و حاکمیت یک واکنش متفاوتی بود نسبت به آن چیزی که طرف‌های غربی فکر می‌کردند. الان هم نظرسنجی‌ها در این چند روز همین را تأیید می‌کند. یعنی جامعه در واقع نوع نگاهش این شکلی است و عدد و رقم هم همین را تأیید می‌کند.

وی درباره اینکه در کنار واکنش موشکی ایران به رژیم صهیونیستی، واکنش مردم ایران در روزهای اول جنگ باعث شد صهیونیست‌ها با آمریکا از رفتار جامعه ایرانی متوجه اشتباه محاسباتی خود شوند، گفت: من فکر می‌کنم اینطور می‌شود نگاه کرد که اینها همدیگر را تأیید می‌کردند. یعنی هر موشکی که شلیک می‌شد، یک روحیه به جامعه می‌داد. به همبستگی که ایجاد شده بود، روحیه می‌داد. به آن بخش آفندی و پدافندی ما



مهمی هم خواهد داشت. به هر حال فضای اجتماعی موجود در ایران، در راستای اهداف و پروژه‌های دشمن متجاوز نیست. درباره ضرورت حفظ همبستگی و انسجام ملی و تقویت آن

همبستگی اجتماعی؛ مهم‌ترین عامل شکست دشمن

چنین خطایی مرتکب شدند. رادی در پاسخ به این سوال که چه اقداماتی می‌تواند منجر به تقویت یا تضعیف این همبستگی ملی شود؟ گفت: خیلی مهم است ما این همبستگی را به یک سرمایه اجتماعی، به یک همبستگی پایدار، به یک اتحاد ماندگار تبدیل کنیم، نه اینکه مردم فقط به خاطر شرایط خاص و اضطراری، تا یک حدی پشت دولت بایانند و با دولت همراه شوند.

وی ادامه داد: به همین سرعتی که این اتحاد و همبستگی شکل گرفته، ممکن است دچار فروپاشی و سرخوردگی شود. برای اینکه این اتفاق نیفتد، چند عامل را باید در نظر گرفت. به نظرم مهم‌ترین عامل این است که عوامل اختلاف‌برانگیز را ما به هیچ عنوان تکرار نکنیم؛ از هر گروه، هر دسته و هر صنفی که هستیم. یکسری عوامل است که باعث بروز اختلافات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی بین مردم و حاکمیت می‌شود. اینها را نه اینکه نالود کنیم، حرف‌اف این نیست که همه یک جور فکر کنند، در واقع هر کسی الگوی اعتقادات خودش را دارد اما روی آن نقاط اشتراک و موارد مشترک در مقابل دشمن جمع شویم. زمانی که دشمن وجود دارد، این موارد اختلاف باید مسکوت گذاشته شود.



«وطن امروز» در گفت‌وگو با کارشناسان بررسی کرد: حفظ همبستگی ملی بهترین مانع بر سر راه نقشه‌های دشمن

ایران؛ یک مفهوم، یک هدف

برای ایجاد یک پدافند ملی در برابر دشمن متجاوز، دیدگاه ۴ نفر از کارشناسان سیاسی را جویا شدیم. در ادامه گفت‌وگوی «وطن امروز» با این کارشناسان را می‌خوانیم.

وی افزود: عوامل متحدکننده مردم مثل بحث دین، مثل بحث وطن و بحث رهبری، عواملی هستند که روی آنها بین مردم اجماع وجود دارد. عوامل اختلاف به صورت کلی باید مسکوت بمانند. از لایه اجتماع بیرون رانده شود و فقط عوامل هم‌افزا و عواملی که باعث ایجاد وحدت می‌شود برجسته شود. رادی در پایان گفت: ما باید در کمان را نسبت به مردم درست کنیم، بفهمیم با چه ملتی مواجه هستیم. خارجی‌ها باید بفهمند، دشمن باید بفهمد که با ملتی مواجه است که قابل تهدید نیست. سیاست‌گذارها هم باید متوجه شوند این ملت قابل‌بازی دادن نیست. کسانی نیستند که بشود سرشان کلاه گذاشت. در قدم اول ادراک مسؤولان و سیاست‌گذاران نسبت به مردم باید اصلاح شود. مردم را به عنوان افراد عاقل، بالغ، هوشمند، خودمختار و توانمند می‌توان تشخیص خوب از بد را کامل دارند در نظر بگیریم. وقتی ادراک و فهم از مردم اصلاح شد، این خودش تأثیرگذار است. اگر ما مردم را اینطوری درک کنیم، آن موقع در نوع مواجهه و برخورد مسؤولان در سیاست‌گذاری‌ها، در قانون‌نویسی‌ها، در همه موارد اثر می‌گذارد. وقتی این اتفاق افتاد، آن اتفاق دوم که باید بیفتد و مرحله دوم که باید رخ دهد این است که مردم اعتماد شود. رهبر انقلاب یک جایی می‌گویند امام خمینی به مردم اعتماد کردند، ایشان هم همین‌طور هستند و به مردم اعتماد دارند، لذا باید به مردم اعتماد کنیم.

سیاست‌های کودتایی و هدف تجزیه ایران

بود. وی با اشاره به واکنش مردم ایران در روزهای ابتدایی جنگ، گفت: «همبستگی ملی در خلأ شکل نمی‌گیرد، بلکه زمانی به وجود می‌آید که مردم احساس کنند توانایی اداره زندگی خود و کسب جایگاه شایسته در جهان را دارند.» به گفته وی، عملیات موشکی ایران این موضوع را بخوبی نشان داد و حتی ایرانیان خارج از کشور که ممکن بود پیش‌تر احساس حقارت کنند، با مشاهده این قدرت، احساس سربلندی و عزت کردند. فتح‌اللهی افزود: «حتی برخی از افرادی که با نظام رزایه داشتند، با دیدن این اقتدار، احساس غرور کردند.» وی تأکید کرد: تمرکز بر رفتارهای قدرتمندانه در حوزه‌های علمی، فناوری، صنعتی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی می‌تواند همبستگی ملی را به مراحل غیرقابل‌برگشتی برساند. به باور وی، مشکلات و شکاف‌های اجتماعی در مقایسه با این اقدامات، تأثیر تعیین‌کننده‌ای ندارند.

فتح‌اللهی در پاسخ به سوال پایدی درباره بینش و آگاهی شکل گرفته در مردم ایران در این برهه از جنگ با رژیم صهیونیستی، به تغییر اساسی در افکار عمومی اشاره کرد. وی گفت: «پس از جنگ تحمیلی، جریانی مودینه در کشور تلاش می‌کرد ترس از جنگ را در افکار عمومی نهادینه کند. از آن به عنوان بهانه‌ای برای عقب‌نشینی‌های سیاسی استفاده کند.» به گفته وی، این ترس موهوم بود. زیرا آمریکا و رژیم صهیونیستی اهل جنگ مستقیم نیستند و همواره به دنبال کودتا و توطئه‌اند. فتح‌اللهی تأکید کرد: اتفاقات اخیر بویژه در ۱۲ روز گذشته، این ترس را به سرعت از بین برد. وی افزود: «مردم ایران با این موضوع پراحتی کنار آمدند و برعکس، ترس از جنگ به جامعه آمریکا و اسرائیل منتقل شد. اکنون در تل‌آویو آثار جنگ‌زدگی دیده می‌شود اما در تهران هیچ اثری از جنگ نیست.» وی این تحول روحی را مهم‌ترین دستاورد این دوره دانست و گفت: «رژیم

صهیونیستی با شناسایی و ترور افراد خاص، روش‌های کودتایی را دنبال می‌کرد اما جمهوری اسلامی با جنگ مستقیم و شرافتمندانه، آنها را وادار به عقب‌نشینی کرد.» فتح‌اللهی نتیجه گرفت این تجربه نشان داد دشمنان توانایی جنگ مستقیم ندارند و ایران از این نظر به جایگاه تثبیت‌شده‌ای رسیده است. وی تأکید کرد: این آگاهی باید در سیاست‌های آینده ایران مدنظر قرار گیرد تا تأثیرات تعیین‌کننده‌ای داشته باشد.



محمدعلی فتح‌اللهی، عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به بررسی اهداف رژیم صهیونیستی و آمریکا در قبال ایران، نقش همبستگی ملی در خنثی‌سازی توطئه‌ها و تأثیرات عملیات موشکی اخیر ایران بر افکار عمومی پرداخت. وی با تشریح سیاست‌های این رژیم، به ساقچه تاریخی اقدامات کودتایی آنها و تأثیر واقتدار نظام به عنوان عوامل کلیدی در ناکام گذاشتن دشمنان سخن گفت.

فتح‌اللهی در پاسخ به سوالی درباره برآوردهای رژیم صهیونیستی و آمریکا از جامعه ایرانی و اقدامات اخیر آنها اظهار داشت: «صلاً سیاست‌های رژیم صهیونیستی و آمریکا بر برنامه‌های کودتایی در جوامع مختلف استوار است. آنها تلاش می‌کنند شکاف‌های موجود در جوامع را شناسایی کنند و با تکیه بر این شکاف‌ها، فعالیت‌های کودتایی انجام دهند.» وی تأکید کرد: این اقدامات معمولاً مورد تأیید اکثریت جامعه نیست اما این رژیم‌ها به تسلط بر شیوه‌های کودتایی، در کوتاه‌مدت می‌توانند به اهداف خود دست یابند. به گفته فتح‌اللهی، هدف نهایی دشمنان در قبال ایران، تجزیه کشور است اما در کوتاه‌مدت، تغییر نظام سیاسی را دنبال می‌کنند. با این حال، وی خاطرنشان کرد: ایران به دلیل پتانسیل بالای مقاومت، همواره توانسته در برابر این سیاست‌های تجاوزطلبانه ایستادگی کند.

فتح‌اللهی در پاسخ به سوالی درباره عوامل تقویت یا تضعیف همبستگی ملی تأکید کرد: این همبستگی به قدرت نظام جمهوری اسلامی در پاسخ به توطئه‌ها وابسته است. وی اظهار داشت: «اگر این قدرت وجود نداشته باشد و مردم آن احساس نکنند، همبستگی شکل نمی‌گیرد. بنابراین باید این قدرت را بیش از پیش تقویت کرد.» به گفته وی، همبستگی ملی در خلأ شکل نمی‌گیرد، بلکه در سایه فعالیت‌های قدرتمندانه و حضور فعال در نظام بین‌الملل تقویت می‌شود. فتح‌اللهی هشدار داد بر برخورد ضعیف با عقب‌نشینی از مواضع بین‌المللی می‌تواند همبستگی ملی را تضعیف کند و افزود: «کارآمدی دستگاه

سیاسی، چه در عرصه داخلی و چه خارجی، عامل اصلی در تثبیت و تعمیق همبستگی ملی است.»

یکی از نکات برجسته این گفت‌وگو، تحلیل فتح‌اللهی درباره

تأثیر عملیات موشکی

ایران بر سرزمین‌های

اشغالی بر افکار عمومی

ه‌بستگی ملی، س‌د راه توطئه‌های رژیم صهیونیستی و آمریکا

تأکید کرد: فهم واقع‌بینانه از این همبستگی ضروری است و باید آسیب‌شناسی شود که چه عواملی می‌تواند آن را به هم بزند. به گفته وی، تحریک گسل‌های سیاسی، صنفی یا برخی سیاست‌های فرهنگی که در شرایط فعلی مصلحت نیست، می‌تواند مخرب باشد اما تداوم همبستگی می‌تواند بسیاری از نواقص سیاسی و فرهنگی را خودبه‌خود ترمیم کند. وی نقش جایگاه رهبر انقلاب را در این همبستگی برجسته‌دانست و اظهار داشت: «جلوه آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان مرجع و رهبر، که این بار به صورت برجسته‌تری نمایان شده، اهمیت زیادی دارد. باید مراقب باشیم واکنش‌های سیاسی و فرهنگی ناقص، این جایگاه را تضعیف نکند و تصویری یکدست ارائه نشود.» محمدی‌سیرت همچنین به تاب‌آوری همبستگی ملی اشاره کرد و گفت: «در شرایط اقتصادی و زیستی دشوار، این همبستگی ممکن است آسیب ببیند. بنابراین باید از آن شدت محافظت کرد.» وی افزود: در جنگ جدید که بیشتر تکنولوژیک است تا توده‌ای، باید طراحی شود که چگونه این همبستگی اجتماعی می‌تواند از وضعیت نظامی و امنیتی پشتیبانی کند. به باور وی، تنها راه متوقف کردن جنگ، بالا بردن هزینه اقتصادی و انسانی برای طرف مقابل است. محمدی‌سیرت هشدار داد: «مذاکره یا روایت‌های متغلاانه در کوتاه‌مدت تل‌لی بیش نیست. توسعه هزینه‌های اقتصادی و انسانی جنگ تنها راه‌حل است. هر نگاه دیگری در شرایط کنونی رمانتیک و غیرواقع‌بینانه خواهد بود.»

واستراتژیک در ایران در ۴ دهه گذشته برای دشمن تهدیدی امنیتی بوده است. به گفته وی، اگر در گام‌های اولیه دشمن با سیاست‌های اقناع و تطمیع جامعه ایرانی پیش رفت، این بار به صورت عریان با تصویر قتل و کشتار وارد شده تا تلقا کنند هرچه اراده کنند، محقق خواهد شد. محمدی‌سیرت تأکید کرد: هدف فعلی دشمن حذاقل تغییر نظام سیاسی ایران است و در صورت امکان، تجزیه کشور را دنبال می‌کند اما اگر این اهداف محقق نشود، حداقل به دنبال ایجاد بازدارندگی نسبی است. وی هشدار داد: «چون دشمن چاره دیگری ندارد، این ریسک را اتانها ادامه خواهد داد.» محمدی‌سیرت درباره عوامل تقویت یا تضعیف همبستگی ملی گفت: «برای حفظ این همبستگی، ابتدا باید چرایی آن را درک کنیم. بخشی از این همبستگی به بقای جامعه ایرانی مربوط است. مردم نگرانند در صورت شکست کشور، حیات سیاسی خود را از دست بدهند.» وی

واستراتژیک در ایران در ۴ دهه گذشته برای دشمن تهدیدی امنیتی بوده است. به گفته وی، اگر در گام‌های اولیه دشمن با سیاست‌های اقناع و تطمیع جامعه ایرانی پیش رفت، این بار به صورت عریان با تصویر قتل و کشتار وارد شده تا تلقا کنند هرچه اراده کنند، محقق خواهد شد. محمدی‌سیرت تأکید کرد: هدف فعلی دشمن حداقل تغییر نظام سیاسی ایران است و در صورت امکان، تجزیه کشور را دنبال می‌کند اما اگر این اهداف محقق نشود، حداقل به دنبال ایجاد بازدارندگی نسبی است. وی هشدار داد: «چون دشمن چاره دیگری ندارد، این ریسک را اتانها ادامه خواهد داد.» محمدی‌سیرت درباره عوامل تقویت یا تضعیف همبستگی ملی گفت: «برای حفظ این همبستگی، ابتدا باید چرایی آن را درک کنیم. بخشی از این همبستگی به بقای جامعه ایرانی مربوط است. مردم نگرانند در صورت شکست کشور، حیات سیاسی خود را از دست بدهند.» وی



تهدیدی موجودیتی برای رژیم صهیونیستی تبدیل شد و آنها به این نتیجه رسیدند در نظم کنونی منطقه، اسرائیل آینده‌ای در ۲۵ سال آتی نخواهد داشت. محمدی‌سیرت وضعیت داخلی ایران را سومین عامل دانست و اظهار داشت: «در ۲ دهه گذشته، فشارهای اقتصادی و برخی شکاف‌های اجتماعی مانند آنچه در سال‌های ۹۶، ۹۸ و ۱۴۰۱ شاهد بودیم، تصاویری از یک جامعه دوباره را به نمایش گذاشت. کاهش مشارکت سیاسی نیز به این تصویر دامن زد.» وی تأکید کرد این ۳ عامل – ایران ضعیف در عرصه بین‌الملل، اجبار به تغییر نظم منطقه‌ای و وضعیت اجتماعی ایران – فرصتی را برای رژیم صهیونیستی فراهم آورد تا به این نتیجه برسد که باید اقدام کند و این فرصت را از دست ندهد. به گفته وی، دشمن این ریسک را تا امروز ادامه داده و فعلاً از آن دست نخواهد کشید؛ زیرا گزینه دیگری ندارد. محمدی‌سیرت درباره برنامه رژیم صهیونیستی برای مواجهه با ایران توضیح داد: «اصلی‌ترین برنامه رژیم صهیونیستی، تغییر نظم منطقه‌ای است. در سطح اول، پایان دادن به جمهوری اسلامی ایران و تغییر رژیم قرار دارد و پس از آن، تجزیه ایران

در حد بعدی است.» وی افزود: حضور یک نظام سیاسی با توان جغرافیایی، ژئوپلیتیک